



سرمایه اجتماعی

مهدی رشید

هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد، به طوری که بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه‌ی اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه‌ی انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند؛ اما هیچ مجموعه‌ی انسانی، بدون سرمایه‌ی اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد. از این‌رو سرمایه‌ی اجتماعی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه، اقتدار، احساس امنیت اجتماعی و منبع کنش‌های جمعی است که عامل پیوند دهنده‌ی عوامل اجتماعی است و موجب استفاده‌ی حداکثری از منابع فیزیکی و انسانی در جهت رشد، توسعه و تعالی جامعه خواهد شد. سرمایه‌ی اجتماعی با شاخص‌هایی؛ همچون، اعتماد، آگاهی، مشارکت، شبکه‌ها و هنجارها سنجیده می‌شود و جامعه‌ای که هر یک از شاخص‌های یاد شده در آن، زیاد باشد از سرمایه‌ی اجتماعی بالایی برخوردار است.

ضروری است برای روشن شدن ابعاد موضوع، سوالات مهمی مورد مذاکره قرار گیرند؛ نظیر این‌که: سرمایه‌ی اجتماعی چیست؟ آیا جوامعی

مقدمه

سرمایه‌ی اجتماعی (social capital) مفهومی است که به دلیل تأکید بر ارتباطات انسان‌ها و شبکه‌ی روابط بین افراد، قدمتی به اندازه‌ی تاریخ بشریت دارد؛ اما در ادبیات علوم اجتماعی مفهوم نوینی به شمار می‌رود که از علوم اجتماعی وارد عرصه‌ی علوم سیاسی گردیده و در کنار سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه‌ی اجتماعی، یا بعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع، فایز آید و حرکت به سوی رشد و توسعه‌ی شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را امکان‌پذیر سازد. در واقع، سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه‌ی انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود و بدون سرمایه‌ی اجتماعی،

از سال ۱۹۱۶ هانی فان، از دانشگاه ویرجینیای غربی (در آمریکا) مطرح کرد و علی رغم اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی، تا سال ۱۹۶۱ که جین جاکوب در برنامه‌ریزی به کار برد، شکل جدی به خود نگرفت. البته رگه‌هایی از آن در قرن ۱۹ در آثار اکسی دوتوکویل، دورکیم، وبر و مارکس هم به چشم می‌خورد.^۴ تعاریف متعددی از سرمایه‌های اجتماعی وجود دارد؛ اما در یک تعریف جامع، سرمایه‌های اجتماعی عبارت است از: «جوهر جامعه، انسجام درونی فرهنگی و اجتماعی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات فیما بین مردم و نهادها که متناسب با فرهنگ بومی یا ملی هر جامعه‌ای، به تسهیل و تشدید همگرایی میان افراد و گروه‌های آن جامعه می‌انجامد و افراد و گروه‌ها را قادر می‌سازد تا با یکدیگر کار کنند.»^۵ در واقع، می‌توان سرمایه‌های اجتماعی را یک مفهوم مرکب از سه بعد: ساختار، محتوا و کارکرد تلقی نمود که ساختار اجتماعی آن، همان شبکه‌ی ارتباطات اجتماعی است و محتوای آن، عبارت از اعتماد و هنجارهای اجتماعی بوده و کارکرد آن نیز همان عمل متقابل اجتماعی است.^۶ سرمایه‌های فیزیکی با ایجاد تغییرات در مواد برای شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کنند به وجود می‌آید و کاملاً ملموس است. سرمایه‌های انسانی با تغییر دادن افراد برای یاد دادن مهارت‌ها و توانایی‌هایی به آن‌ها پدید می‌آید و افراد را توانا می‌سازد تا به شیوه‌های جدید رفتار کنند که کمتر ملموس است و در مهارت‌ها و دانشی که فردی کسب کرده است، تجسم می‌یابد. اما سرمایه‌های اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌های دگرگون می‌شود که کنش را تسهیل می‌کند.^۷ سرمایه‌های اجتماعی، برخلاف دیگر سرمایه‌ها، به صورت فیزیکی وجود ندارد، بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است و افزایش آن می‌تواند سبب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره‌ی جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها شود. سرمایه‌های اجتماعی به مثابه نوعی روغن اجتماعی است که در مناسبات بین افراد، ایفای نقش می‌کند؛ یعنی در عین تسهیل‌کنندگی مناسبات، چسبندگی هم ایجاد می‌کند؛ به عبارتی هم چسب اجتماعی و هم روغن اجتماعی است. لذا هر شبکه‌ی اجتماعی، برای دستیابی به اهداف خود، علاوه بر افراد آگاه و با تجربه، امکانات و ابزار مادی به عواملی؛ مانند اعتماد، تعهد و مسئولیت‌پذیری و... هم نیاز دارد که این عوامل، همان سرمایه‌های اجتماعی هستند. لذا در فرایند تکوین انقلاب اسلامی، حضرت امام (ره) به خوبی می‌دانست تا جامعه متحول نشود و سرمایه‌های اجتماعی یک انقلاب و نظام اسلامی ایجاد نگردد، سرنوشت نهضت اسلامی ایران نیز؛ مانند بسیاری از نهضت‌های سیاسی و اجتماعی دیگر خواهد بود؛ از همین رو طی مبارزه‌ی

که دارای سرمایه‌های انسانی، فیزیکی، مالی و... هستند، دارای میزان بالایی از سرمایه‌های اجتماعی نیز خواهند بود؛ مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی چه هستند؟ تراز سرمایه‌های اجتماعی در گفتمان انقلاب اسلامی و نظام اجتماعی اسلام کدام است؟ چه عواملی سرمایه‌های اجتماعی را در جامعه دچار بحران می‌کند؟ راهکارهای موثر در جامعه‌ی ایران برای افزایش سرمایه‌های اجتماعی چیست؟ آثار بنیادین سرمایه‌های اجتماعی در جامعه کدام است؟ در این ننگاره در صدد پاسخ به این پرسش‌ها با رویکرد تطبیقی بر جمهوری اسلامی ایران هستیم.

۱. تعریف سرمایه و انواع آن با تاکید بر مفهوم سرمایه‌های اجتماعی

سرمایه از ریشه‌ی Cap به معنای سر، اساسی، اصلی و بزرگ است. در نخستین نگاه، سرمایه عبارت است از: جوهره، مایه‌ی اصلی و ثابت داده‌ها و داشته‌ها که می‌تواند «مادی» یا «معنوی» باشد؛ یعنی سرمایه تنها شامل مال و ثروت، پول و دارایی نیست، بلکه توانایی‌ها، استعدادها، علاقه‌مندی‌ها و حتی بینش یک فرد نیز جزء سرمایه‌های او به شمار می‌رود. لذا سرمایه انواعی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱.۱. سرمایه‌های انسانی

سرمایه‌ی انسانی به مجموعه‌ی ویژگی‌ها و دارایی‌هایی؛ نظیر تحصیلات، معلومات، خلاقیت‌ها، استعدادها، آموزه‌ها و مهارت‌های انسان اطلاق می‌شود، که اگرچه فیزیکی نیستند؛ اما قابلیت تبدیل به آن را دارند. اهمیت این سرمایه به حدی است که آن را مکمل «سرمایه‌ی اجتماعی» می‌دانند و از سرمایه‌ی انسانی، به عنوان ابزاری برای رسیدن به «سرمایه‌ی اجتماعی» یاد می‌کنند.^۸

۱.۲. سرمایه‌ی فیزیکی اعم از طبیعی و مالی

سرمایه‌ی طبیعی به منابعی اطلاق می‌شود که می‌توانند به عنوان مواد خام در یک فرآیند استفاده شوند و ابعادی؛ همانند هوا، آب، خاک، گیاهان و حیوانات، دورنما، چشم‌انداز و... را در بر می‌گیرد. سرمایه‌ی مالی نیز به پشتوانه‌ی مالی یک فعالیت اشاره دارد که شامل گونه‌های مختلف پول و اعتبارات می‌شود. نظیر بدهی سرمایه، ارزش سرمایه، درآمد و...^۹

۱.۳. سرمایه‌ی اجتماعی

بحث سرمایه‌ی اجتماعی پیشینه‌ی طولانی دارد و همواره با شکل‌های گوناگون در جوامع مطرح بوده است؛ اما به صورت علمی و منسجم اولین بار، قبل



هیچ مجموعه‌ی انسانی، بدون سرمایه‌ی اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد. از این رو سرمایه‌ی اجتماعی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه، اقتدار، احساس امنیت اجتماعی و منبع کنش‌های جمعی است که عامل پیوند دهنده‌ی عوامل اجتماعی است و موجب استفاده‌ی حداکثری از منابع فیزیکی و انسانی در جهت رشد، توسعه و تعالی جامعه خواهد شد.

علمی، اعتقادی و سیاسی پانزده ساله، سرمایه‌های اجتماعی لازم برای وقوع انقلاب اسلامی و تحقق اهداف آن را ایجاد نمودند و با استفاده‌ی هوشمندانه و مدبرانه از آن توانستند انقلاب را رهبری کنند و نظام شکوهمند و مقدس جمهوری اسلامی را برپا سازند.

۲.۲ مولفه‌ها و عناصر سرمایه‌ی اجتماعی

بدون تردید دولت‌ها، حکومت‌ها و مسئولان، افق سیاست‌گذاری خود را بر اساس رشد و نهادینه کردن سرمایه‌ی اجتماعی ترسیم می‌کنند. این امر در ادیان الهی هم بسیار مورد توجه قرار گرفته است و دین یکی از اصلی‌ترین منابع غنی مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی به شمار می‌رود. دین این قدرت را دارد که به صورت محسوس و نامحسوس، روابط و هنجارهای اجتماعی قوی مبتنی بر نفع فردی و جمعی همراه با نگاه عقلایی، خیرخواهی، اعتماد در روابط و عدالت‌محوری، براساس رویکرد الهی و توحیدی را برای زندگی دنیوی و اخروی جوامع انسانی تضمین کند. این امر در دین اسلام با لحاظ گسترده‌ی مفاهیم، دستورات و مناسک اجتماعی آن کاملا نمایان است. برخی از مهم‌ترین مولفه‌های سرمایه اجتماعی عبارتند از:

۲.۱. اعتماد:

بسیاری از جامعه‌شناسان، اعتماد را بنیادی‌ترین رکن سرمایه‌ی اجتماعی و لازمه‌ی شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی و ایجادکننده‌ی تعاون و همیاری بیان می‌کنند.^۶ وقتی «اعتماد» آسیب دید، به دنبال آن، مشارکت مدنی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز لطمه می‌خورد و بی‌مسئولیتی و بی‌تعهدی طرفین (دولت و ملت) بر جامعه غالب شده و اجتماع را به فروپاشی اخلاقی و ساختاری سوق می‌دهد. از این رو سخنان، وعده‌ها و عملکرد دولت‌ها و مسئولین، نقش بنیادینی در افزایش یا کاهش سرمایه‌ی اجتماعی دارد؛ مطالعه‌ی میدانی در ادوار دولت‌ها و مجلس‌های انقلاب اسلامی این نکته را کاملا نمایان می‌سازد؛ چنان‌که هر وقت دولت‌های غرب‌گرای لیبرال بر سر کار بوده‌اند و مدام به مردم دروغ گفته‌اند، سطح رضایت مردم و سرمایه‌ی اجتماعی به شدت کاهش یافته است.

۲.۲ اخلاقیات، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی:

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که در زمان حاضر، غالب جوامع بشری به بحران اخلاقی و مشکلات ناشی از بی‌توجهی به ارزش‌های انسانی و معنویات دچار شده‌اند و میزان تخلفات در امور بازرگانی، داد و ستد و تعداد شکایات و ناراضی‌های روزافزون است و کنترل اجتماعی نیز چندان اعمال نمی‌شود.^۷ هنجارهای اجتماعی نیز مشتمل بر برداشت‌ها، قواعد و رسوم غیررسمی مشترک است که رفتارهای معینی را در اوضاع تجویز، ممنوع یا تعدیل می‌کند. هنجارهای اجتماعی می‌تواند مسئولیت‌پذیری، احترام به قانون، اخلاق حرفه‌ای، احترام به بزرگترها، تحمل و پذیرش تنوع و کمک به مردم نیازمند را به هنگام نیاز دربرگیرد. یکی از اندیشمندان علوم اجتماعی بیان می‌کند: «بدون هنجارها تصور این‌که چگونه تعامل و تبادل نظر بین غریبه‌ها اتفاق می‌افتد، مشکل است.»

۲.۳ آگاهی و بیداری اجتماعی:

آگاهی، مؤثرترین و کارآمدترین ثروت و سرمایه‌ی هر ملت است. هر چه آگاهی مردم جامعه درباره اقدامات حکومت، پشتوانه‌ی برهانی سیاست‌گذاری‌ها و پیشرفت‌های کشور در عرصه‌های مختلف، بیشتر باشد، حمایت مردم بیشتر خواهد شد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «یکی از خصوصیات حکومتی امیرالمؤمنین، تبیین است. حضرت، حقایق جامعه را برای مردم بیان می‌کرد...^۸ ایشان می‌فرمایند: «تبیین اساس کار ما است. ما با ذهن‌ها مواجهیم، با دل‌ها مواجهیم؛ باید دل‌ها قانع بشود. اگر دل‌ها قانع نشد، بدن‌ها به راه نمی‌افتد، جسم‌ها به کار نمی‌افتد؛ این فرق بین تفکر اسلامی و تفکرات غیراسلامی است... تبیین و بیان، مهم‌ترین وظیفه‌ی پیغمبران است...^۹ امروز فضای مجازی، رسانه‌های اجاره‌ای، روزنامه‌های زنجیره‌ای و پیام‌رسان‌های خارجی به عنوان خط مقدم استحالته‌ی معنوی نظام اسلامی فعال هستند و اطلاعات غلط را در سطح گسترده انتشار می‌دهند تا پشتوانه‌ی مردمی نظام و سرمایه‌ی اجتماعی را نابود کنند. متأسفانه علی‌رغم هشدارهای رهبر انقلاب مبنی بر ضرورت شبکه‌ی ملی اطلاعات و تکیه بر پیام‌رسان‌های داخلی برای کوتاهی دست استکبار از افکار و اعتقادات، پیگیری نمی‌شود.

۲.۴ مشارکت اجتماعی:

مشارکت اجتماعی فرایند سازمان‌یافته‌ای است که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف معین، انجام می‌گیرد. وجود شبکه‌های مشارکت به عنوان حوزه‌های تولید کننده‌ی سرمایه اجتماعی بیشترین توجه را در ادبیات نوسازی و توسعه‌ی سیاسی به خود معطوف کرده است.^{۱۱} جهت بسیاری از آموزه‌های اسلام ناب، بر همیاری اجتماعی و تعاون است و یکی از فلسفه‌های وجود مساجد در اسلام همین است. اساسا در نظام ولایی مردم باید بیشترین پیوند و تعامل را با یکدیگر داشته باشند تا سعادت اجتماعی محقق شود و جامعه‌ی مطلوب شکل گیرد.

۲.۵ همبستگی اجتماعی:

همبستگی اجتماعی؛ یعنی احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین برای هدایت بشر، بهترین معیارها و محورها را برای وفاق اجتماعی و همبستگی امت اسلامی اصول و مبادی دین معرفی می‌کند که از فطرت سلیم بشری نشأت گرفته است. انسجام و وحدت اعضای جامعه، از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که موفقیت آن‌ها را تضمین می‌کند و جامعه را به سوی رشد و تعالی سوق می‌دهد. از سوی دیگر تفرقه و پراکندگی موجب زوال و انحطاط است.^{۱۲}

۳. عوامل افزایش و کاهش سرمایه‌ی اجتماعی با تاکید بر تطور تاریخ انقلاب

تاریخ انقلاب اسلامی، انباشتی از تجربیات اجتماعی است که عموما تئوری‌های علوم اجتماعی و گفت‌وگوهای غیرتوحیدی و سکولار را به چالش کشیده است. به همین جهت کلی بریریکی از نظریه‌پردازان انقلاب) اعتراف می‌کند: «چیزی که اغلب در مورد ایران شنیده‌ام، این است که آن را نمی‌فهمیم» و میشل فوکو نیز اذعان دارد که: «جنش

مردم ایران، تحت قانون انقلاب‌ها در نیامد»^{۱۳} سرنگونی رژیم مستکبر متکی به همه قدرت‌های جهانی با دست خالی، خاموش کردن چراغ فتنه‌های تجزیه‌طلبانه‌ی اول انقلاب بدون ارتش و نیروی امنیتی منسجم، شکست مقتدرانه‌ی جبهه‌ی استکبار در جنگ تحمیلی که به تعبیر مقام معظم رهبری، یک جنگ بین‌المللی بود و ده‌ها فتنه و حرکت براندازانه‌ی دیگر، عامل این تحیر است. پرسش اساسی این‌جاست که چه عاملی، انقلاب ایران را این‌چنین به نقطه‌ی عطفی در تاریخ بشریت تبدیل کرده است؟ بدون تردید عامل اساسی تکوین و تداوم انقلاب اسلامی، سرمایه‌ی اجتماعی برآمده از عقلانیت «نظام امام و امت» و آموزه‌های اسلام ناب و فرهنگ ایرانی است که در تمام بحران‌ها مردم به صورت داوطلبانه و خودجوش، از نظام حمایت کرده‌اند. لذا تمرکز بر عوامل افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و زدودن عوامل کاهش آن، ضامن حیات اجتماعی انقلاب و پلی به تمدن نوین اسلامی است. مهم‌ترین عوامل عبارتند از:

۳.۱. اعتماد به نفس ملی و اعتماد به مردم و ظرفیت‌های داخلی

توسعه و پیشرفت بر دوش لرزان مردم و با مشارکت مردم، در برنامه‌ی توسعه‌ی هیچ کشوری مشاهده نمی‌شود. حتی انقلاب‌های بزرگ دنیا؛ مانند انقلاب فرانسه و روسیه نیز متکی به توده‌ی مردم نبودند و «روشنفکران و قشر انقلابیون حرفه‌ای» سهم اصلی را داشتند. اما انقلاب اسلامی از ابتدا با تلاش مردم شکل گرفت و راهبرد اصلی رهبران در تداوم انقلاب هم، حضور حداکثری مردم بوده است.^{۱۴} رهبر معظم انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، ۶ بار از مسوولان و ۲۲ بار از جوانان نام برده‌اند و این نشان می‌دهد مخاطب رهبر انقلاب بیش از این‌که مسوولان باشند، جوانان و مردم هستند. جوانان صرفاً عوامل اجرای پیشرفت نیستند، بلکه پیشران‌های توسعه و قشر رهبر توسعه در نظر گرفته شده‌اند. در همین راستا ایشان مکرراً تمرکز بر توان داخلی و به صحنه کشاندن مردم را برای پیشرفت و غلبه بر بحران‌ها، به عنوان خط‌مشی سیاست‌گذاری به مسوولان گوشزد نموده‌اند. امروز عاقلانه‌ترین و موثرترین سلاح مبارزه در جنگ اقتصادی، اعتماد به مردم و تکیه بر تولید داخلی است که بدون تردید برآیند این نگاه، تقویت روحیه‌ی مقاومت مردم و اعتماد به نفس ملی و سرمایه‌ی اجتماعی است.

۳.۲. صداقت، شفافیت و پاسخ‌گویی

صداقت و شفافیت مسوولان، اعتماد عمومی مردم نسبت به حاکمیت را افزایش داده و در نتیجه به احیا و تقویت سرمایه‌های اجتماعی منجر می‌شود. در سیره‌ی

حاکمیتی امیرمؤمنان می‌بینیم که «چیزی را از مردم پنهان نمی‌کردند مگر اسرار نظامی و امنیتی را.» امام صادق می‌فرمایند: «رسول خدا در وصیتی به امام علی (علیهما السلام) فرمودند: «يَا عَلِيُّ اَنْهَكَ عَنْ ثَلَاثٍ خِصَالٍ عَظَامِ الْحَسَدِ وَ الْحِرْصِ وَ الْكُذِبِ.»^{۱۵} بخش مهمی از ناملایمات و ناروایی‌ها در میان مردم ناشی از همین سه خصلت است. اگر مدیران و حاکمان با مردم صادق باشند و روند‌ها، ساختارها، نظام اداری و چارچوب‌های قانونی شفاف باشد، مردم احساس امنیت اجتماعی خواهند داشت و با تمام وجود از نظام حمایت خواهند کرد.

۳.۳. عدالت اجتماعی

نابرابری اجتماعی، اقتصادی و فاصله‌ی طبقاتی از مهم‌ترین عواملی است که سرمایه‌ی اجتماعی را به خطر می‌اندازد؛ در واقع افزایش نابرابری اقتصادی و اجتماعی افراد یک جامعه را نسبت به دولت و به یکدیگر بدبین می‌کند. توماس پیکنی، اقتصاددان شهیر فرانسوی، در کتاب «سرمایه در قرن ۲۱»، بر این نکته تأکید می‌کند که «هنگامی که سطح نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به میزان درخور توجهی افزایش یابد، اساس تعاملات انسانی از همکاری به سمت تضاد می‌رود.» وقتی مردم تبعیض‌ها و رانت‌خواری‌ها را مشاهده کنند اعتماد آن‌ها به ساختار از بین می‌رود. اسلام هم از طریق تربیت اعتقادی اخلاقی مسلمانان و هم از طریق وضع قوانین مختلف برای رسیدن به این هدف تلاش می‌کند و می‌تواند از این طریق نقش بسزایی در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی داشته باشد.

۳.۴. آموزش و تحصیلات

از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر سرمایه‌ی اجتماعی، آموزش است. بین سال‌های رسمی آموزش در مدرسه و سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. فوکویاما معتقد است که: فضایی که در آن دولت‌ها به احتمال زیاد بیشترین توان مستقیم را برای تولید سرمایه‌ی اجتماعی دارند، آموزش و پرورش است. مؤسسات آموزشی صرفاً انتقال دهنده‌ی سرمایه انسانی نیستند بلکه سرمایه‌ی اجتماعی در قالب قوانین و هنجارهای اجتماعی را نیز انتقال می‌دهند. متأسفانه امروز رکود علمی و آموزشی کشور، نوجوانان و جوانان را دچار فرسایش و افسردگی اجتماعی کرده و قطار آموزش از ریل خودش خارج شده است. لذا باید نقش آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران مورد بازخوانی و بازبینی قرار گیرد.^{۱۶}

۳.۵. احترام به خواست مردم و شنیدن پیشنهادات و انتقادات

در جوامعی که عموم مردم به راحتی و به آسانی دغدغه‌ها



سرمایه‌ی اجتماعی، برخلاف دیگر سرمایه‌ها، به صورت فیزیکی وجود ندارد، بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است و افزایش آن می‌تواند سبب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداری جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها شود. سرمایه‌ی اجتماعی به مثابه نوعی روغن اجتماعی است که در مناسبات بین افراد، ایفای نقش می‌کند؛ یعنی در عین تسهیل‌کنندگی مناسبات، چسبندگی هم ایجاد می‌کند.



نیاز دارد که این عوامل، همان سرمایه‌های اجتماعی هستند. سرمایه‌ی اجتماعی با تولید قدرت نرم و امنیت اجتماعی، نقش بسزایی در تقویت ثبات سیاسی در جامعه دارد که تقویت آن برحسب سبک و سیاق همکاری، همیاری، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و اعتماد می‌تواند زمینه‌های تحقق امنیت اجتماعی را مهیا سازد. سرمایه‌ی اجتماعی (معنوی و مذهبی) منبع کنش‌های جمعی است که عامل پیوند دهنده‌ی عوامل اجتماعی و حلقه‌ی واسط سایر سرمایه‌ها (انسانی، اقتصادی، فرهنگی و...) بوده و موجب استفاده‌ی حداکثری از منابع فیزیکی و انسانی در جهت رشد، توسعه و تعالی جامعه خواهد شد. به اعتراف بسیاری از پژوهش‌گران علوم اجتماعی آن چیزی که باعث پیشرفت و توسعه‌ی کشورهای صنعتی گشته، انباشت سرمایه نبوده، بلکه سرمایه‌ی اجتماعی بوده است؛ یعنی شبکه‌ها و هنجارهای قوی اجتماعی منجر به سلامت روحی و جسمی افراد شده و فضای جامعه را سالم و آماده‌ی فعالیت‌های فردی و اجتماعی می‌نماید. لذا در نظریه‌های جدید توسعه به این سرمایه بسیار توجه می‌شود. سرمایه‌ی اجتماعی در اسلام بسیار مهم قلمداد می‌شود. انباشت آموزه‌های اجتماعی دین اسلام و تأکید بر ایجاد ساختارها و شبکه‌های اجتماعی همراه با هویت‌سازی مشترک در سطوح مختلف جوامع، حاکی از این امر است. بر اساس بیانیه‌ی گام دوم، همواره عناصر مشترکی برای همبستگی جوامع در سطوح مختلف، حول محور توحید وجود دارد که باید بر مبنای آن هویت جوامع را تثویز کرد؛ در واقع این سطوح؛ هویت‌سازی در سطح جهان شیعه با آموزه‌های شیعی، در سطح جهان اسلام با آموزه‌های اسلامی و در سطح جهان بشریت با آموزه‌های فطری است. نکته‌ی اساسی این است که در گفتمان اسلام ناب، علاوه بر لزوم فعالیت‌های فرهنگی و مردمی برای ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی، نقش مجموعه‌ی حکومت اسلامی «ساختارها، قوانین، مدیران» بسیار بیشتر است و باید طوری عمل کنند تا مردم

و مطالبات خود را ارئه می‌کنند و نمی‌گذارند مطالبات و خواسته‌ها به صورت عقده در درون جامعه رسوخ نمایند، سرمایه‌ی اجتماعی پویا می‌شود و مردم حکومت و دولت را از خود می‌دانند و با احساس تعلق خاطر، حمایت و پشتیبانی از حکومت را مسئولیت اجتماعی خویش تلقی می‌کنند. حضرت امیر(ع) از قول پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «تا زمانی که مردم خواسته‌هایشان را بدون لکنت زبان به مسئولین خود نگویند، آن جامعه اصلاح نمی‌شود.» امام علیه السلام به مالک اشتر دستور می‌دهند که با مردم ارتباط مستقیم داشته باشد و از نزدیک به حرف‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها گوش سپارد و از فاصله گرفتن از آن‌ها بپرهیزد: «مبادا به مدت طولانی خود را از مردم دور نگه داری.»^{۱۱} به طور کلی عوامل بسیاری سبب افزایش و کاهش سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود که چند مورد از مهم‌ترین عوامل به صورت مقایسه‌ای با تأکید بر شرایط ایران مورد بررسی قرار گرفت. با آسیب دیدن هر کدام، سرمایه‌ی اجتماعی تضعیف می‌شود و کاهش سرمایه‌ی اجتماعی مقدمه‌ی بسیاری از بحران‌های اجتماعی خواهد بود. نکته‌ای که باید حتماً مد نظر باشد این است که دین، به طور خاص دین اسلام بر شکل‌گیری و ارتقای مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر عمیقی می‌گذارد و حاکم بر همه‌ی این عوامل است لذا به صورت جداگانه طرح نشد.

۴. رویش ساختارهای انقلابی؛ یگانه راهبرد بازسازی سرمایه‌ی اجتماعی در ایران

در یک نگاه کلی، عموم مکاتب بشری و الهی، سرمایه‌ی اجتماعی را به عنوان شریان حیات جامعه، ضروری می‌دانند. هر شبکه‌ی اجتماعی، برای دستیابی به اهداف خود، علاوه بر افراد آگاه و با تجربه و امکانات و ابزار مادی، به عواملی مانند: اعتماد، تعهد و مسئولیت‌پذیری و... هم

شده‌اند؛ به‌ویژه عملکرد شکننده‌ی دولت اعتدال، سطح امید و انگیزه‌ی مردم را برای مشارکت اجتماعی و فعالیت مدنی بسیار پایین آورده است. نکته‌ی جالب این است که امروز همین جریان‌هایی که کشور را به بحران اعتماد عمومی کشانده‌اند، در یک فرار رو به جلو، فریاد وا سرمایه‌ی اجتماعی، عدالت و آزادی و.. سر می‌دهند و عقلانیت و کارآمدی الگوی انقلاب اسلامی و مدل نظام ولایت فقیه را به چالش می‌کشند و خواستار رفراندوم هستند.

بنابراین به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب، تنها راه ترمیم سرمایه‌ی اجتماعی در ایران، رویش ساختارها، قوای انقلابی و جهادی، به‌ویژه دولت جوان حزب‌اللهی است تا با مدیریت جهادی و انقلابی متکی بر ایمان، بصیرت و از خودگذشتگی، تمام ساختارهای شکننده و ناکارآمد؛ همانند آموزش و پرورش، صمت، وزارت ارتباطات، وزارت فرهنگ و دیپلماسی دلتبار را بازسازی نماید و به جایگاه تمدنی خویش در جهان بشریت برسد. بدون تردید این امر در گروی حماسه‌آفرینی مردم در انتخاب مدیران انقلابی و دلسوز است.

امنیت خاطر، سوار بر کشتی حکومت دینی به ساحل سعادت برسند. لذا امیر مؤمنان (علیه السلام) به مالک اشتر می‌فرماید: «بدان که هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به وفاداری رعیت، بهتر از احسان به آن‌ها و تخفیف هزینه‌ها بر آنان و عدم اجبار آن‌ها به کاری که وظیفه ندارند نیست، در این راه آن قدر بکوش تا به وفاداری آنان خوش‌بین شوی که این خوش‌بینی بار رنج فراوانی را از دوش تو برمی‌دارد... اگر رعیت بر تو به ستم‌گری گمان برد، عذر خود را به آشکارا با آنان در میان نه و با این کار از بدگمانی آن‌ها بکاه...»^{۱۸}

مع‌الاسف، امروزه بسیاری از پژوهش‌ها، آمارها و تعاملات اجتماعی نشان می‌دهند که سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی ایران شرایط مطلوبی ندارد و یا دست کم در وضعیتی نیست که بتوان بروز نتایج و کارکردهای مثبت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و... را از آن انتظار داشت. در فرایند تکوین انقلاب و بحران‌های سیاسی- اجتماعی تحمیل شده بر جمهوری اسلامی ایران اعم از حرکت‌های تجزیه‌طلبانه، جنگ تحمیلی، کودتاها، فتنه‌ی ۸۸، تحریم‌ها و ده‌ها حرکت براندازانه و خصمانه‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داخلی و خارجی، سلاح اصلی مردم ایران در تقابل با دشمن، سرمایه‌ی اجتماعی بر آمده از متن هویت دینی و ایرانی بوده است. اما هرچه جلو آمده‌ایم، در اثر کاهش عدالت اجتماعی و برخی تبعیض‌ها، ضعف برخی از ساختارها و قوانین، رکود اقتصادی، ویژه‌خواری‌ها، جناح‌گرایی‌ها و ده‌ها عامل دیگر، سرمایه‌ی اجتماعی کاهش یافته است. لذا باید هم حکمرانان و هم مردم در جهت تغییر شرایط حاکم بر جامعه در جهت ارتقای سطح سرمایه‌ی اجتماعی اقداماتی موثر انجام دهند. نقش حکومت شامل قوای سه‌گانه‌ی مجریه، قضاییه و مقننه در ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی، اهمیت فراوانی دارد؛ به عنوان مثال احترام به قانون و روحیه‌ی جهادی و انقلابی از سوی مسوولان بلندپایه‌ی کشور می‌تواند نقطه‌ی شروع مناسبی برای ارتقای سطح سرمایه‌ی اجتماعی باشد. لذا نقش قوه‌ی مقننه در تصویب ساختارهای قانونی راه‌گشا و نظارت بر حسن اجرای قانون و نقش قوه قضاییه در راستای صیانت از قانون و ضمانت اجرای قوانین و تساوی همه در برابر قانون بسیار حساس است که اکنون زمینه‌ی عمل انقلابی این دو قوه فراهم گشته است. اما نقش قوه‌ی مجریه بسیار اساسی‌تر است؛ خصوصاً که اکثر دولت‌ها بعد از انقلاب با شعار عدالت، آزادی و رفاه، افکار عمومی را جلب نموده؛ ولی در عمل با تبعیض، منفعت‌طلبی، ریاست‌طلبی، تکیه بر استکبار و ناکارآمدی، سبب کاهش سرمایه‌ی اجتماعی و تضعیف اقتدار ملی



بسیاری از جامعه‌شناسان، اعتماد را بنیادی‌ترین رکن سرمایه‌ی اجتماعی و لازمه‌ی شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی و ایجادکننده‌ی تعاون و همیاری بیان می‌کنند. مطالعه‌ی میدانی در ادوار دولت‌ها و مجلس‌های انقلاب اسلامی این نکته را کاملاً نمایان می‌سازد؛ چنان‌که هر وقت دولت‌های غرب‌گرای لیبرال بر سر کار بوده‌اند و مدام به مردم دروغ گفته‌اند، سطح رضایت مردم و سرمایه‌ی اجتماعی به شدت کاهش یافته است.

پی‌نوشتها

- ۱ اختر محقق، مهدی، ۱۳۸۵، سرمایه اجتماعی، تهران.
- ۲ همان، ص ۲۲۹
- ۳ تقلائی، محمد، تاثیر اجتماعی بر سیاست‌های رفاهی (بررسی موردی ایران)، ۱۳۸۹، ص ۲۱
- ۴ همان، ص ۲۲۱
- ۵ معصومه حق شناس، مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، مجله حدیث زندگی، بهمن و اسفند ۱۳۸۴، ش ۲۷
- ۶ زارعی متین، محمدیان و مدرس، مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۳۹۵، تهران، مؤسسه کتاب مهریان نشر، ص ۲۱-۲۲
- ۷ زهرا نصر اللهی، سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن در اسلام، ص ۲۸
- ۸ تاثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء سیاست‌گذاری، ص ۲۲۷
- ۹ بیانات رهبری ۱۳۹۵/۶/۳۰
- ۱۰ بیانات رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۵/۴/۱۲
- ۱۱ کاظمی، سعید، سرمایه اجتماعی و نقش آن در سازمان، ص ۱۰
- ۱۲ غلامحسین حیدری، همبستگی اجتماعی در نگاه اسلام، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، ش ۱۳، زمستان ۹۰، ص ۹۵-۱۱۷
- ۱۳ فوکو، میشل، (۱۳۷۹)، ایران روح یک جهان بی روح، چ چهاردهم، ص ۵۵، تهران، نشر نی.
- ۱۴ محمد رحیمیان، بررسی مولفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، ش ۲، پاییز ۹۷
- ۱۵ ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۰
- ۱۶ علی طیب‌نیا، علی سوری و مبین میرزا بابایی، تاثیر آموزش بر سرمایه اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۹۱، پاییز ۹۸، ص ۲۶۱-۲۸۸
- ۱۷ نهج‌البلاغه، نامه ۵۳
- ۱۸ نهج‌البلاغه نامه ۵۳